



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



نقش امام صادق عليه السلام

در نهضت عملی

صدر اسلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش امام صادق (ع) در نهضت علمی صدر اسلام

نویسنده:

محمد واعظ زاده خراسانی

ناشر چاپی:

مشکوه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نقش امام صادق (ع) در نهضت علمی صدر اسلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	آغاز نهضت علمی در اسلام
۸	نقش ائمه اهل بیت در حرکت علمی
۹	حدیث العتره عن طریق اهل السنه
۱۰	تعداد راویان و اصحاب حضرت صادق
۱۱	عدد تقریبی راویان امام صادق
۱۲	تشخیص مذهب راویان حضرت صادق
۱۲	ارتباط ائمه اربعه با امام صادق
۱۳	نتیجه ی بحث
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نقش امام صادق (ع) در نهضت علمی صدر اسلام

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد واعظ زاده خراسانی

ناشر: مجله مشکوه، شماره ۳۲

مقدمه

با نهایت مسرت از شرکت در این سمینار عظیم که ابعاد گسترده‌ی زندگی یکی از پیشوایان و ائمه‌ی بزرگ اسلام از خاندان پیغمبر را مورد بحث و بررسی قرار داده است بحث خودم را آغاز می‌کنم: بطور حتم حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام در طلیعه‌ی حرکت و نهضت علمی اسلام، در اوایل قرن دوم هجری، همزمان با انتقال خلافت، از سلسله‌ی بنی‌امیه به آل‌عباس، یکی از چهره‌های درخشان و مورد توجه و محل رجوع علمای اسلام بخصوص طبقه‌ی محدثین، فقها، اهل کلام و مفسران قرآن به شمار می‌رفته است. کاوش و بررسی ابعاد وجودی و علمی آن امام، بسیاری از حقایق پنهان، در کیفیت رشد و گسترش و شکل‌گیری فرهنگ و علوم اسلامی را، روشن می‌نماید. کما این که شیوه‌ی آن امام جلیل‌العلوی، در قلمرو سیاست، تعلیم و تربیت، و پرورش شاگردان عالم و متعهد، در روزگار خود می‌تواند برای همه‌ی علما و متفکران و مصلحان اعصار بعد، درسی آموزنده باشد. از مطالعه‌ی کتب حدیث، تفسیر، فقه، سیره و تاریخ، شخصیت او در همه‌ی صحنه‌های علمی و حضور او در بسیاری از حوادث سیاسی به چشم می‌خورد. آن حضرت در زمینه‌ی فقه، سیره‌ی نبوی، تفسیر و کلام شاگردانی مبرز و آثاری گرانبها از خود باقی‌گذاشته و نام و آثار و روایات و احیانا آراء آنان، در کتابهای حدیث و تفسیر و سیره و جز آن، ثبت گردیده است. آنچه در این گفتار، مورد بحث ما است، تأثیر امام صادق در حرکت علمی قرن دوم اسلامی است. ولی از باب مقدمه جهت روشن شدن زمینه‌ی بحث، لازم است ابتدا مختصری درباره‌ی اصل این نهضت علمی، بحث کنیم آنگاه نقش آن امام بزرگوار را در شکوفائی و رشد آن نهضت شرح دهیم.

آغاز نهضت علمی در اسلام

علوم اسلامی به معنی خاص یعنی فقه، عقیده و کلام، تفسیر، اخلاق و تاریخ، تا اواخر قرن اول به صورت حدیث، زبان به زبان و سینه به سینه نقل می‌شد، و به گفته‌ی مورخان و محدثان، تا آن تاریخ، علوم اسلامی عموماً و حدیث خصوصاً تدوین نگردیده بود، و تنها در نیمه‌ی اول قرن دوم، محدثان شهرهای بزرگ و مراکز علمی اسلامی به شرحی که خواهیم گفت دست به تدوین حدیث زدند. این سخن، با این کلیت و اطلاق، در مورد تدوین حدیث مقرون به صحت نیست توضیح اینکه صحابه‌ی پیغمبر غالباً اهل کتاب نبودند و آنچه را از رسول اکرم می‌شنیدند نمی‌نوشتند. درباره‌ی اجازه‌ی کتابت حدیث، از رسول اکرم دو قول به ظاهر مختلف و متضاد نقل کرده‌اند، و پس از بحثهای طولانی سرانجام محققان بین آن دو قول چنین جمع کرده‌اند: ۱- این که رسول اکرم در آغاز، از ترس اینکه حدیث وی با قرآن اشتباه نشود از نوشتن حدیث، منع می‌کرد ولی در اواخر زندگی او که با انتشار قرآن، این خطر نبود، اجازه فرمود. ۲- اینکه تنها به کسانی که شایستگی ثبت و ضبط را داشتند بطور خصوصی اجازه می‌داد که سخن او را بنویسند امام به طور عموم، از این کار منع می‌کرد. ما اگر این سخن را راجع به همه‌ی صحابه بپذیریم ولی بنا به منابع حدیثی شیعه‌ی امامیه، در خصوص علی علیه‌السلام که به طور خصوصی سخنان رسول اکرم را در کتابی به نام (کتاب علی) که به

ائمه اهل بیت، به ارث رسیده، می‌نوشته است نمی‌توانیم قبول کنیم و در هر حال، این امر، راجع به صحابه بوده است، اما مسلماً نوشتن حدیث میان تابعین رسم شده بود و نزد برخی از تابعین از جمله محمد بن شهاب زهری متوفای (۱۲۵هـ) استاد مالک بن انس، نوشته‌هایی گرد آمده بود و بطوری که نوشته‌اند وی در خانه‌اش در میان انبوهی از کتابها می‌نشست. از قول ذهبی و ابن حجر، نقل کرده‌اند که آغاز تدوین حدیث را در نیمه ی قرن دوم دانسته‌اند. ذهبی می‌گوید: در سال ۱۴۳ هـ. دانشمندان اسلام در آن عصر، به تدوین حدیث، فقه و تفسیر آغاز کردند. ابن جریر در مکه، مالک (نویسنده الموطاء) در مدینه، اوزاعی در شام، ابن ابی عروبه و حماد بن سلمه و غیر ایشان در بصره، معمر در یمن، سفیان ثوری در کوفه، دست به تألیف زدند. ابن اسحاق (المغازی) را نوشت، ابو حنیفه رحمه‌الله فقه و قیاس و رأی را تألیف کرد، سپس با فاصله ی کمی هُشیم و لیث و ابن لهیعه، آنگاه ابن المبارک و ابو یوسف و ابن وهب، تألیف کردند و پس از آن، دیگر تدوین و تبویب علم فزونی یافت. کتابهای عربیت و لغت و تاریخ و وقایع و ایام نوشته شد. در حالیکه پیش از این عصر پیشوایان و ائمه از حفظ سخن می‌گفتند، یا اینکه علم را از روی جزوه‌های تصحیح شده و نامرتب، روایت می‌کردند. اما ابن حجر، در شرح صحیح بخاری می‌گوید: اول کسی که حدیث را گرد آورد، ربیع بن صبیح (م ۱۶۰ هـ) و سعید بن ابی عروبه (م ۱۵۶) بودند تا اینکه نوبت به بزرگان طبقه سوم رسید: امام مالک (م ۱۷۹) در مدینه (الموطاء) را نوشت، عبدالمملک بن جریر (م ۱۵۰) در مکه، اوزاعی (م ۱۵۶) در شام، سفیان ثوری (م ۱۶۱) در کوفه و حماد بن سلمه بن دینار (م ۱۷۶) در بصره، دست به تصنیف زدند و در پی ایشان، بسیاری از پیشوایان، هر کدام برابر نظر و دانش خویش تصنیف کردند. اگر بخواهیم گفته ی ذهبی و ابن حجر را تکمیل و یا تصحیح کنیم باید دو نکته را بر آن اضافه کنیم: اول، اینکه مقصود از آغاز تدوین حدیث در این دوره به وسیله ی نامبردگان، آن نبود که پیش از آن اصلاً کسی در مورد حدیث قلم روی کاغذ نمی‌برده و حدیث، از حافظه به کاغذ منتقل نمی‌گردیده است، بلکه مقصود آن است که قبلاً به صورت کتاب مدوّن و منظم تألیف نشده بود و این منافات ندارد که محدثان، آنچه را می‌شنیدند در جزوه‌ها و یا به گفته ی «ذهبی» در صحف یادداشت کرده باشند. کما اینکه بنابر تحقیق آقای احمد امین، این مرحله از تدوین حدیث، غیر از آن است که قبلاً در عصر خلیفه ی دوم و نیز از قبیل عمر بن عبد العزیز قرار بود انجام بگیرد. توضیح اینکه: نوشته‌اند خلیفه ی دوم این مسئله را با صحابه مطرح کرد که سنت پیغمبر را جمع کند همانطور که قرآن را جمع کردند و آنان با این کار موافقت کردند ولی پس از یک ماه خود خلیفه اظهار داشت: من این کار را مصلحت نمی‌دانم زیرا اهل کتاب پیش از ما دست به چنین کاری زدند و این باعث گردید که بنی‌اسرائیل تورات را کنار گذارده به سنت پرداختند. در پایان قرن اول، عمر بن عبدالعزیز خلیفه ی اموی به این فکر افتاد و به شهرها از جمله به مدینه به ابی‌بکر بن محمد بن عمر بن حزم، قاضی مدینه نوشت که حدیث پیغمبر را جمع کنند و برای وی بفرستند، هر چند در توفیق یافتن خلیفه ی اموی به این کار، تردید وجود دارد، و از حدیثی در تاریخ بخاری به دست می‌آید که این عمل انجام یافته است، در هر حال اگر هم انجام یافته ولی اثری از آن بجای نمانده است. با این توضیح، می‌گوییم: کاری که در قرن دوم انجام گرفت، غیر از عمل مورد نظر آن دو خلیفه بود، آنها می‌خواستند کلیه سنت و حدیث پیغمبر را جمع کنند تا سنت مانند قرآن، در یکجا گرد آمده باشد امام علمای قرن دوم هر کدام تنها احادیث شهر خود را جمع‌آوری کردند. نکته ی دوم، اینکه آنچه گفته شد در مورد تاریخ حدیث اهل سنت است، اما در تاریخ حدیث شیعه ی امامیه، شواهدی وجود دارد که برخی از یاران علی علیه‌السلام از جمله ابورافع، کاتب آن حضرت، و دو فرزند ابی‌رافع: عبیدالله و علی، قضاوت‌های آن حضرت را در کتابی گرد آورده بودند. و نیز از علی علیه‌السلام و ائمه بعد از وی آثار مکتوبی نقل کرده‌اند که قبل از تاریخ تدوین حدیث، نوشته شده است. باری چنانکه پیداست حتی تابعین، راضی به نشر یادداشتهای خود نبودند و هنگام مرگ آنها را نابود می‌کردند، و در قرن دوم به شرحی که گفته شد، تدوین و نشر کتاب حدیث شایع گردید. مسئله ی قابل بحث در اینجا این است که چرا تدوین حدیث تقریباً در یک زمان در شهرهای مختلف شروع شده و چه کسی در این کار پیش‌قدم بوده است؟ برخی گفته‌اند نظر به این که (ابن جریر) زودتر از دیگران، وفات یافته شاید

قبل از دیگران دست به تألیف حدیث زده باشد، و چون او در مکه می‌زیسته حجاج بیت‌الله کتاب او را استنساخ کرده و با خود به شهرهای دیگر برده و دیگر محدثان از وی پیروی نموده و هر کدام احادیث موجود نزد خود را در کتابی گرد آورده‌اند. عامل دیگری که برای اهتمام به جمع حدیث در آن تاریخ ذکر کرده‌اند این است که فقهای عراق و در رأس همه امام ابوحنیفه عمل به قیاس را باب کردند، علمای سایر بلاد که عمل به رأی و قیاس را روانی دانستند بخصوص فقهای مکه و مدینه برای مقابله با اهل رأی و جلوگیری از عمل به قیاس، به جمع و نشر حدیث پرداختند تا به تشخیص خود سنت پیغمبر را حفظ و عمل به رأی را که یک نوع بدعت به شمار می‌آمد طرد کنند. همانطور که ملاحظه می‌شود این علتها هر کدام به جای خود قابل قبول است اما هیچکدام علت منحصر به فرد و تمام علت نمی‌باشد و باید دو نکته را بر آن اضافه کرد: نکته ی اول، اینکه به نظر می‌رسد علاقه و عشق به تألیف و تصنیف و کتابت حدیث، از اوائل اسلام بین علما وجود داشته و در این امر جای تردید نیست اگر جایی برای بحث باشد باید علت تأخیر این عمل را جویا شویم که چرا تدوین، زودتر شروع نشده است؟ در این زمینه به چند امر می‌توان اشاره کرد: اول، همان منع رسول خدا که قبلاً گفته شد، هر چند در صحت آن تردید است. دوم، ممانعت خلیفه دوم که به نظر می‌رسد بعداً به صورت یک سنت در آمده بوده و خلفای بنی‌امیه بجز عمر بن عبدالعزیز، آن سنت را ادامه داده‌اند و از تدوین حدیث منع می‌کرده‌اند و یا لاقول، روی خوشی به آن نشان نمی‌داده و کسی را بدان تشویق و ترغیب نمی‌کرده‌اند. سوم، مشاجره و اختلافهای سیاسی و مذهبی میان گروههای مختلف: مانند خوارج، شیعه، مرجئه، نزاع میان حسن بصری و واصل بن عطا که به پیدایش مسلک معتزله انجامید، به اضافه، استمرار جنگهای خونین بین علی علیه‌السلام و معاویه و میان خاندان زبیر و بنی‌امیه، و بین ایشان با مختار بن ابی عبیده، همچنین قیامهای پیاپی خاندان و پیروان علی که تقریباً تمام دوران حکومت بنی‌امیه را فرا گرفته بود. تا اینکه خلافت بنی‌عباس، در زمان منصور دوانیقی تقریباً استقرار یافت و آرامش نسبی برقرار گردید و زمینه برای ابراز علاقه به نوشتن حدیث، جان گرفت. پس باید گفت ماده برای این کار آماده و مقتضی موجود بوده اما مانع هم وجود داشت و با انتقال خلافت، مانع برطرف گردید. علاوه بر اینکه خود (منصور) باصطلاح مردی روشنفکر و علم‌دوست بود و دانشمندان را تشویق و کسانی را به تألیف و ادار می‌کرد همانطور که نوشته‌اند به محمد اسحاق صاحب (مغازی) فرمان داد تا سیره ی رسول اکرم را برای فرزندش (مهدی) بنویسد و نوشت. اصولاً ایرانیان، که عامل اصلی انتقال خلافت به آل عباس بودند بیش از خود عربها به علم و دانش اهمیت می‌دادند و سابقه ی زیادتری در این باب داشتند و این خود به پیشرفت و تحول علم، در دوران نفوذ آنان در دربار خلافت کمک می‌کرد. نکته ی دوم، که مرتبط به موضوع اصلی بحث ما می‌باشد، و اینک پس از ذکر این مقدمه ی فشرده به سراغ آن می‌رویم، اینکه باحثان و محققان، درباره ی عوامل این نهضت علمی از هر در سخن گفتند جز از یک عامل اساسی که از آن ذکری به میان نیاوردند، و آن، نقش ائمه اهل‌البیت علیهم‌السلام به خصوص شخص شخیص امام صادق علیه‌السلام در راه‌اندازی و شکوفایی و گسترش این حرکت مبارک علمی است.

نقش ائمه اهل بیت در حرکت علمی

سابقه و نقش خاندان پیغمبر در نشر علوم اسلامی از زمان علی و از شخص او آغاز می‌شود. علی علیه‌السلام به گواهی تاریخ، از دیدگاه صحابه و تابعین، عالمترین صحابه به کتاب و سنت و به فقه و قضاوت بود، شواهد در این زمینه برون از حد احصا است. روایات آن حضرت از رسول خدا و نیز آراء و کلمات خود او در کتابهای فریقین فراوان است. امام احمد حنبل، در مسند خود فصلی را به مسند علی اختصاص داده و نزدیک به سه هزار حدیث از وی نقل کرده است. در کتاب مسند، علی علیه‌السلام یکی از مکتوبین حدیث است و ظاهراً پس از ابی‌هریره بیش از کسان دیگر حدیث دارد. این روایات فراوان و در عین حال پراکنده، در بین محدثین و علمای اسلام سینه به سینه می‌گشت و هر کس بخشی از آنها را می‌دانست و به دیگران منتقل می‌کرد، اما نسخه ی کامل

آنها (بنا به عقیده ی شیعه) نزد ائمه اهل بیت محفوظ بود که از یکدیگر به ارث می‌بردند و به پیروان خود تعلیم می‌دادند، روایات علی علیه السلام جمعا از پنج طریق به دست ما رسیده است. اول، در کتب اهل سنت، به طریق خاص آنان که اکثر روایات مسند احمد و سایر مجامع حدیث اهل سنت چنین است. دوم، از طریق ائمه اهل بیت اما به وسیله ی راویان جمهور اهل سنت که تعداد آنها زیاد است و ما بعدا در این خصوص بحث می‌کنیم. سوم، از طریق راویان شیعه امامیه که بیشترین روایات را از ائمه اهل بیت نقل کرده‌اند. چهارم، از طریق راویان طایفه زیدیه، منسوب به زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام. زید، مردی عالم و زاهد و انقلابی بود که در سال ۱۲۲ هجری علیه خلافت بنی‌امیه قیام کرد و هر چند توفیق نیافت و در کوفه به شهادت رسید، اما ضربه ی کاری بر پیکر آن خلافت زد و بطور مؤثر زمینه ی انقراض آن سلسله را فراهم کرد. این روایات، در کتاب «المجموع الفقهی» یا «مسند زید بن علی» و کتاب «رأب الصدع» معروف به «امالی احمد بن عیسی بن زید» و «امالی شجره» و سایر کتب زیدیه از جمله در کتاب «البحر الزخار» دیده می‌شود، و کمیت آنها قابل ملاحظه است. پنجم، از طریق فرقه ی اسماعیلیه (یا شیعیان شش امامی) منسوب به اسماعیل بن جعفر بن محمد. این گروه پس از وفات حضرت صادق در سال ۱۴۸ ه. به امامت اسماعیل فرزند وی که قبلا از دنیا رفته بود اعتقاد بستند، و مانند شیعیان اثنا عشری، به امامت حضرت موسی بن جعفر قائل نشدند و تدریجا به فرقه‌های چندی انشعاب پیدا کردند و اینک دو فرقه ی مهم به نام (بُهره) و (آقاخانیه) از ایشان باقی مانده‌اند. روایات اهل بیت از طریق اسماعیلیه تقریبا منحصر به کتاب معروف و معتبر (دعائم الاسلام) تألیف (قاضی نعمان مصری) است که بزرگترین فقیه و قاضی و داعی الدعاه خلفای فاطمی، به شمار می‌رفت و دارای تألیفات بسیار و پرمحتوی می‌باشد، وی در سال ۳۶۳ ه. در قاهره در گذشته است. قاضی نعمان، یکدوره فقه را در این کتاب از حضرت صادق و ائمه پیش از وی مرسلا و بدون سند نقل کرده که بسیاری از آنها را از طریق ائمه به علی علیه السلام و رسول اکرم می‌رساند. در این که مستند (قاضی نعمان) در نقل این روایات از آن ائمه با وجود فاصله ی بیش از ۱۵۰ سال از زمان حضرت صادق چه بوده، بحث مفصلی است که در اینجا از آن صرف نظر می‌کنیم. آنچه در مورد طرق روایات علی علیه السلام گفته شد در طریق روایات ائمه دیگر تا امام صادق علیه السلام، صادق است بخصوص حجم روایات آن حضرت از طریق فریقین اهل سنت و امامیه بسیار زیاد است. یکی از بحثهای مهم که تاکنون چنانکه باید مورد عنایت محققان واقع نشده همانا مقایسه میان روایات اهل بیت مروی از این پنج طریق است که حدود موافقت و مخالفت آنها با یکدیگر مشخص گردد و بررسی شود که کدام طریق معتبرتر و بیشتر مورد اطمینان است و اگر با هم تعارض دارند علت آن چیست؟ بعلاوه دانسته شود روایات خاص به یک طریق، و نیز تعداد روایات مشترک بین این طرق مختلف چقدر است. اختلاف این روایات، مسلما یکی از عوامل اختلاف شیعه و سنی و نیز اختلاف شیعه امامیه با سایر فرق شیعه است. اختلاف در داخل یک مذهب، مانند اختلاف بین علمای زیدیه یا علمای امامیه مسلما ناشی از همین روایات متعارض است. اهمیت این بحث با همه غفلت از آن، بر محققان پوشیده نیست.

حدیث العتره عن طریق اهل السنه

اینجانب از حدود سی و پنج سال قبل از این متوجه شدم که روایات اهل بیت تنها از طریق شیعه ی امامیه و سایر فرق شیعه نقل نگردیده بلکه در کتابهای رائج اهل سنت نیز فراوان است. این مطلب را همان هنگام در مقدمه ی کتاب (المقنع و الهدایه) تذکر دادم و بعد از چند سال شخصا به گردآوری این روایات مشغول شدم و حدودا تا سال ۱۴۰۰ ه. ق این کار ادامه داشت، جمعا ۲۵ کتاب از کتب معتبر و مهم حدیث و سیره و تفسیر از قرن سوم تا قرن ششم را سیر کردم نتیجه ی بیش از ۱۰ هزار حدیث در موضوعات مختلف از آنها استخراج و بر حسب ابواب منظم نمودم و آنها را به چند تن از مدرسین حوزه ی قم که به این کار علاقه داشتند تحویل دادم که روایات کتابهای دیگر را بر آن اضافه کنند و بعدا اقدام به طبع شود. که هنوز کار آنان ادامه دارد و چنانچه

این کتاب به آنگونه که من در نظر دارم و با مقدمه‌ای شامل فوائد و ثمرات فراوان آن انتشار یابد خدمت بزرگی به فقه و حدیث و تاریخ و غیرها خواهد بود و احتمالا تحولی در این علوم به وجود خواهد آمد. یکی از نتایج این کار پی بردن به این نکته است که رابطه‌ی مودت‌آمیز علما و محدثان بزرگ اهل سنت با ائمه اهل بیت و بخصوص با حضرت صادق علیه‌السلام و شاگردی نزد ایشان و اخذ احکام و احادیث از آنان در آن روزگار، شیوع داشته است.

تعداد راویان و اصحاب حضرت صادق

در میان ائمه اهل بیت علیهم‌السلام، سهم حضرت باقر و صادق، از دیگر آنان، در نشر علوم و نقل حدیث، بیشتر است، و تعداد احادیث آنان در کتب حدیث، به طور محسوس، بر احادیث دیگران فزونی دارد. علت این امر آن است که ائمه اهل بیت، پس از علی علیه‌السلام به خصوص پس از واقعه‌ی کربلا و در دوران فرمانروائی حجاج بن یوسف ثقفی، حاکم خونخوار بنی‌امیه در عراق، کاملا تحت فشار بودند و کمتر توانائی نشر علوم خود را پیدا می‌کردند، تا اینکه در سال ۹۵ هجری با هلاکت حجاج، اختناق کمتر شد و آزادی نسبی به دست آمد. اتفاقا همین سالها مصادف بود با انتشار دعوت بنی‌عباس، زیرا ابراهیم امام، از آغاز قرن دوم، دعوت خود را شروع کرد و تا چند دهه این دعوت ادامه داشت تا اینکه سرانجام، در سال ۱۳۲ هجری دعوت به ثمر رسید و خلفای بنی‌عباس جانشین خلفای بنی‌امیه گردیدند. در خلال این مدت بنی‌امیه و بنی‌عباس سرگرم درگیری با هم و یا مبتلا به جنگهای داخلی خود بودند و بدین علت کمتر معترض ائمه اهل بیت می‌شدند. این سالها، که از سال ۹۵ آغاز شد و تا حدود هفتاد سال ادامه داشت، مقارن با دوران امامت حضرت باقر و حضرت صادق و بخشی از دوران امامت حضرت موسی بن جعفر علیهم‌السلام بود. و آن دو امام، و نیز تا حدودی حضرت موسی بن جعفر، از فرصت بدست آمده نهایت بهره را بردند و تا توانستند علوم خویش را نشر دادند. اما در خصوص حضرت صادق، زمینه از همه مساعدتر بود به چند دلیل: ۱- دوران امامت آن حضرت، طولانی بود و از هنگام رحلت پدرش در ۱۱۴ هجری تا ۱۴۸ هجری یعنی مدت ۳۴ سال ادامه داشت. ۲- طولانی شدن تحولات و کشمکش سیاسی و نظامی برای امام و هم بطور کلی برای علم، فرصت مغتنمی بود زیرا حوادث قبل و بعد از انتقال خلافت، دقیقا در زمان آن حضرت اتفاق افتاد. ۳- آشنائی عده‌ی بسیاری از طلاب و محدثان با معارف اهل بیت از زبان حضرت باقر علیه‌السلام و حلاوت این معارف در کامشان، باعث التهاب و عطش آنان به دانش بیکران اهل بیت پیغمبر گردید و لهذا با عشق و علاقه‌ی کم‌نظیر به سوی فرزندش حضرت صادق روی آوردند. ۴- شهرت و آوازه‌ی علمی حضرت صادق این علاقه را تشدید می‌کرد. ۵- کناره‌گیری ظاهری حضرت صادق از تمام حوادث سیاسی و اشتغال او صرفا به نشر علم، خود عامل مساعد دیگری بود که طالبان علم بدون ترس و دغدغه‌ی خاطر، به محضر پرفیض او جلب شوند. ۶- بطور کلی گرم شدن بازار علم و دانش و فزونی علما و جویندگان علم و گسترش دایره‌ی علوم اسلامی و نیز علوم دخیل، در این برهه از زمان، (چنانکه قبلا بیان گردید) قهرا در مورد حضرت صادق هم مؤثر بود. ۷- حضرت صادق، علاوه بر علوم مذهبی مانند فقه و تفسیر و کلام و معارف قرآن، بگواهی روایات بسیار، از جمله آثار منسوب به جابر بن حیان (که نیاز به بحث جداگانه دارد) در علوم طبیعی دست داشت، چه در این کتابها، و چه در روایات مفضل بن عمر و دیگران، نشانه‌های آن به چشم می‌خورد. این بعد از دانش بیکران آن امام نیز، قهرا طالبان خاصی را به خود جلب می‌کرد. این عوامل و امثال آن، من حیث‌المجموع چهره‌ی نورانی و درخشانی برای امام صادق در اذهان ترسیم کرده بود، و شاید تا آن زمان در تاریخ اسلام، چنین شهرت و موقعیت علمی جامع و فراگیر، برای شخص دیگری فراهم نگردیده بود کما اینکه این حجم از راویان، نصیب دیگری نشده است. از این لحاظ، می‌توان موقعیت حضرت صادق را در عصر خود با وضعیت علی علیه‌السلام در زمان خودش مقایسه کرد، شاید هم با توجه به شرایط روزگار، آوازه‌ی دانش آن امام حتی بر جدش علی هم می‌چربید. به هر حال، همه‌ی این اسباب و علل دست به دست هم داد و باعث گردید که سهم حضرت صادق از این فرصت طلائی، از سهم پدر بزرگوارش حضرت

باقر و فرزندش حضرت موسی بن جعفر بیشتر باشد. حوزه‌ی درس حضرت صادق در کوفه حضرت صادق، علاوه بر نشر علم در مدینه بارها به کوفه رفته و مدت‌ها در آن شهر که پایگاه اصلی و محل بروز و گسترش تشیع بود، اقامت می‌فرمود و علنا در مسجد کوفه در صفه‌ای که تا امروز به اسم آن حضرت: (مقام امام صادق) شهرت دارد، به درس می‌پرداخت، و با تتبع در شرح حال راویان آن حضرت، معلوم می‌شود بیشتر آنان اهل کوفه بوده‌اند. مرحوم شیخ طوسی در کتاب (فهرست) و مرحوم ابوالعباس نجاشی در فهرست خود معروف به «رجال نجاشی» مقید هستند که این قبیل راویان را به عنوان (کوفی) یاد کنند که تقید به این امر، می‌تواند اشاره به قوت یا به احتمال بیشتر، اشاره به ضعف راوی باشد و نیاز به تحقیق دارد. در هر حال مسلم است، که (کوفه) نخستین و مهمترین مرکز نشر تشیع و علوم اهل بیت، و مادر سایر مراکز علمی شیعه بوده است. برای نمونه، یادآور می‌شویم: نجاشی نقل می‌کند: که احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی یکی از محدثان قم می‌گوید من به کوفه رفتم جهت کسب حدیث و نزد حسن بن علی الوشاء (یکی از اصحاب حضرت رضا) حاضر شدم که از او حدیث اخذ کنم او کتابی را به من داد و گفت این را استنساخ کن تا بعدا برای تو قرائت کنم، من گفتم بر حوادث دهر ایمن نیستم همین الان برای من قرائت کن (ظاهرا مقصود آن بوده که می‌ترسم تو بمیری یا حادثه‌ی دیگری اتفاق افتد و من از فیض استماع حدیث از تو محروم بمانم) گفت خدا پدرت را بیامرزد. برو بنویس و بیا، من اگر می‌دانستم این حدیث، اینقدر طالب دارد بیش از این آن را گرد می‌آوردم، زیرا من در این مسجد کوفه، نهصد شیخ و استاد حدیث را دیدم که همه می‌گفتند: «حدثنی جعفر بن محمد».

عدد تقریبی راویان امام صادق

ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید معروف به (ابن عقده) از علمای زبده و از مشایخ و ناقلان حدیث و رجال شیعه‌ی امامیه متوفی به سال ۳۳۳ ه کتابی در روایان حضرت صادق نوشته و تعداد ۴۰۰۰ نفر را نام برده است. هر چند اکنون این کتاب وجود ندارد اما مسلما شیخ طوسی و دیگر علمای رجال در اعصار اولیه، از آن استفاده کرده‌اند. شیخ طوسی در کتاب (رجال) خود، اصحاب حضرت صادق را به ترتیب حروف الفبا نام برده که با محاسبه‌ی مجموع آنها به رقم (۳۲۲۳) تن می‌رسند، این تعداد، از آنچه از ابن عقده نقل کرده تعداد (۷۷۷) رقم کمتر است. و اگر شیخ طوسی کتاب ابن عقده را دیده و رقم چهار هزار در آن کتاب وجود داشته معلوم نیست به چه علت نام همه‌ی آنان را به کتاب خود منتقل نکرده است؟ به هر حال، مأخذ شیخ طوسی در تشخیص راویان اصحاب امام صادق و سایر ائمه برای ما مشخص نیست که آیا از قول دیگران نقل کرده و یا خود به تتبع در سند احادیث و فهرس و برخی از کتب رجال سابق بر خود، پرداخته و این رقم را استخراج کرده است. اینک راه صحیح و مقرون به تحقیق برای احصای نام راویان این امام و سایر ائمه علیهم السلام آن است که تمام سند و متن روایات را در کتب شیعه و اهل سنت رسیدگی کنیم و اسم راویان هر امام را ضبط نماییم. مرحوم استاد بزرگ آیه‌الله بروجردی، درباره‌ی چند کتاب مهم حدیث از قبیل: (کافی) کلینی، (تهذیب) شیخ طوسی، (من لایحضره الفقیه) شیخ صدوق و سایر کتابهای وی، و از چند کتاب رجال، دو سلسله کتاب تألیف فرموده که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد مقدس با نظارت اینجانب، آماده برای چاپ شده است. شناسائی آن کتابها نیاز به بحث دارد و در مقدمه کتاب (ترتیب اسانیدالکافی) به قلم من آمده است. باری، هر چند، کتاب رجال شیخ طوسی مسلما همه‌ی راویان امام صادق و یا سایر ائمه را دربر ندارد و شیخ، به همان اندازه که بر آنها دست یافته اکتفا کرده است، اما با ملاحظه و مقایسه ارقام، کاملا مشخص می‌گردد که اصحاب آن حضرت، چندین برابر اصحاب هر کدام از آنهایند و تقریبا به اندازه‌ی راویان همه‌ی ائمه‌اند. متأسفانه در چاپ کتاب، رقم مسلسل راویان هر امام مشخص نیست فقط نامها در ذیل هر یک از حروف هجا شماره شده که من فقط رقم کل راویان حضرت صادق را محاسبه کردم، اما با یک مقایسه‌ی نسبی از روی صفحات کتاب، می‌توان ارقام تقریبی را به دست آورد: اصحاب حضرت صادق به تنهایی ۲۰۰ صفحه و اصحاب رسول اکرم و سایر

صحابه جمعا ۱۹۷ صفحه را فرا گرفته است. که مسلما تعداد آنان از اصحاب حضرت صادق کمتر است.

تشخیص مذهب راویان حضرت صادق

شاید نظر به شخصیت بارز و مقام والای آن امام، تصور شود کلیه ی شاگردان وی شیعه بوده‌اند، نظیر این تصور را مردم، نسبت به صحابه و یاران علی علیه‌السلام و دیگر ائمه اهل بیت دارند، در حالیکه شواهد تاریخی خلاف آن را نشان می‌دهد. اما نسبت به یاران علی بغیر از عده‌ای از صحابه خاص آن حضرت، بقیه از فقها و محدثان معروف اهل سنت بوده‌اند، رابطه ی آنها با علی، حمایت از خلافت اوست به عنوان خلیفه ی رسمی و شرعی پس از عثمان، در قبال اصحاب جمل و صفین و نیز اهل نهروان پس از ماجرای (تحکیم) که خلافت او را حتی در همین حد هم قبول ندانستند و به هر حال، اکثر آنان به علی و اهل بیت عشق می‌ورزیدند و به معنی عام شیعه بودند نه به معنی خاص. اما نسبت به اصحاب و شاگردان امام صادق، با مراجعه به کتب رجال و شرح حال آنان، این ادعا کاملاً ثابت می‌شود و برخی از آنها از علمای معروف اهل سنت‌اند که عهده‌دار مقام فتوی یا منصب قضاوت بوده‌اند. و در بین آنان بسیاری از خاندان صحابه و خلفا و نیز چند تن از متکلمین معروف و نیز سیره‌نویسان و مورخین و مفسرین و کسانی که از آل علی و دوستان او که علیه حکومت وقت، قیام کردند دیده می‌شوند.

ارتباط ائمه اربعه با امام صادق

اما امام ابوحنیفه (۸۰ - ۱۵۰)، زمانا مقدم بر سایر ائمه اربعه است و پیوند او با امام صادق و پدر بزرگوارش حضرت باقر بیشتر بوده، تاریخ تولد و وفاتش با حضرت صادق نزدیک است. زیرا، امام صادق در سال ۸۵ متولد و در ۱۴۸ رحلت فرموده است. نظر به همین جهت، برخی از علما از جمله آقای شیخ ابوزهره در کتاب امام صادق، رابطه ی آن دو را رابطه ی هم‌دوره‌ئی و معاصرت می‌دانند نه رابطه ی استاد و شاگردی. از پاره‌ئی روایات استفاده می‌شود که حضرت صادق او را فقیه عراق خطاب می‌کرده و با او معامله یک عالم و نه یک شاگرد می‌کرده است. در عین حال، روایاتی چند در جامع‌المسانید آمده که ابوحنیفه از امام صادق نقل می‌کند و ما پیش از نقل آن روایات، ترجیح می‌دهیم رابطه ی ابوحنیفه را با حضرت باقر علیه‌السلام با ذکر چند خبر که حاکی از نهایت احترام وی نسبت به آن حضرت است نقل کنیم. بدیهی است نظر به رحلت حضرت باقر در ۱۱۴ هـ حتماً ابوحنیفه در جوانی آن حضرت را درک کرده است و سمت شاگردی او را داشته است و اینک خلاصه ی دو حدیث: ۱- ابوحنیفه می‌گوید نزد محمد بن علی بن الحسین آمده سلام کردم و نشستم. گفت ای برادر عراقی اینجا نشین همانا شما اهل عراق از نشستن نزد ما منع شده‌اید آنگاه از او درباره ی خلیفه دوم و رابطه ی علما با او سؤال کردم و اما حسن رابطه ی علی علیه‌السلام را با او بیان داشت. آنگاه ابوحنیفه گفت تو از آن دو براثت نمی‌جوئی در حالیکه نزد ما کسانی از آنان تبری می‌جویند. اگر نامه‌ای به آنان بنویسی (و آنان را از این کار منع کنی). فرمود تو به من از آنان نزدیک‌تری در حالیکه به تو امر کردم که نزد ما نشین اطاعت نکردی پس چطور آنان اطاعت می‌کنند؟ ۲- از حضرت باقر نقل می‌کند که فرمود: ان صلاة النبی (ص) کانت ثلاث عشرة رکعة منهن رکعات الوتر و رکعات الفجر. و اما روایات او از حضرت صادق دو دسته است: اول آنچه به وسیله ی آن حضرت از پدرانش از علی علیه‌السلام نقل می‌کند مانند: ۱- عن جعفر بن محمد عن ابیه عن علی رضی الله عنه قال ینکح العبد زوجتین و یطلق تطلیقتین. ۲- عن جعفر بن محمد عن علی انه قال حد الملوک اذا قذف نصف الحد. ۳- عن جعفر بن محمد عن ابیه عن علی رضی الله عنه ضرب عبداً فی فریة اربعین سوطاً. دوم آنچه از خود آن حضرت نقل می‌نماید: ۱- ابوحنیفه قال جعفر بن محمد افقه من رأیت، و لقد بعث الی ابو جعفر المنصور ان الناس قد فتنوا بجعفر بن محمد فهیبی له مسائل شداداً فلخصت اربعین مسئله و بعثت بها الی المنصور بالحیره ثم ابرد الی فوافیته علی سریره و جعفر بن محمد عن یمینه، فتداخلتی من جعفر هیبه لم اجدها من المنصور فاجلسنی ثم التفت الی جعفر قائلاً:

یا ابا عبدالله هذا ابوحنیفه فقال: نعم اعرفه ثم قال المنصور سله مابذالك يا ابا حنیفه فجعلت اسأله و یجیب الاجابۃ الحسنه و یفحم حتی اجاب عن اربعین مسئله فرأیته اعلم الناس باختلاف الفقهاء فلذلك احکم انه افقه من رأیت. ۲- عن عبدالجبار بن عبدالعزيز بن ابی رواد قال کنافی الحج عند جعفر بن محمد فجاء ابوحنیفه فسلم علیه و عانقه و ساله فأكثر مسایلته حتی سأله عن حرمه، فقال رجل یا ابن رسول الله (ص) تعرف هذا الرجل قال: ما رأیت احمق منک ترانی أسأله عن حرمه و تقول هل تعرفه؟ هذا ابوحنیفه هذا من افقه اهل بلده. اما الامام مالک بن انس امام اهل المدینه (۰ - ۱۷۹) پیشوای مذهب مالکی، در ایام جوانی تا اواسط عمر، حضرت صادق را درک و از محضر او استفاده کرده است. مالک، در کتاب موطاء حدود ۴۰ حدیث از ائمه اهل بیت روایت نموده به چند طریق: ۱- مالک عن ابن شهاب عن علی بن الحسین.... ۲- مالک عن ربیعۃ بن ابی عبدالرحمن عن محمد بن علی بن الحسین..... ۳- مالک عن جعفر بن محمد عن ابیه عن علی بن ابیطالب (ع). ۴- مالک عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جابر عبدالله عن رسول الله، کیفیت حج رسول الله را مالک و سایر اهل سنت به همین طریق نقل کرده‌اند. و به همین جهت ابوحنیفه چنانچه قبلاً نقل کردیم گفته است: «لو لا جعفر بن محمد ما علم الناس مناسک حجهم». علاوه بر مالک، محمد بن اسحاق، در کتاب (مغازی) خود از حضرت صادق و باقر روایاتی بلاواسطه یا مع الواسطه نقل کرده است. اما امام شافعی (۵۰ - ۲۰۴) و امام احمد حنبل (م ۲۴۱) هر چند مدرکی در دست نیست که با یک تن از ائمه معاصر خود تماس گرفته و حدیثی از وی بلاواسطه نقل کرده باشند، ولی در کتاب (ترتیب مسند شافعی) و (مسند احمد) با واسطه از حضرت صادق و ائمه پیش از وی تا برسد به رسول خدا احادیثی دیده می‌شود.

نتیجه ی بحث

آنکه امام صادق نه تنها در فقه و حدیث شیعه که در حدیث اهل سنت در همه ی ابعاد فقهی و کلامی و تاریخی و تفسیری نقش مؤثر داشته و بسیاری از بزرگان، به واسطه و بلاواسطه از دانش بیکران او استفاده کرده‌اند. به اضافه نقش منحصر به فرد او در علوم طبیعی که عمدتاً در آثار جابرین حیان دیده می‌شود. از این گذشته، وی بطور غیر مستقیم در حرکت‌های سیاسی علویین نقش داشته و چند تن از آنان، شاگرد وی بوده‌اند که قبلاً گفته شد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

